



International Conference on The Second Phase of the Islamic Revolution : دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی :

The School of Martyr Soleimani ;

مکتب شهید سلیمانی

A Model for Training Jihadi Civilization-Making Managers

الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز



International Conference on The School of Martyr Soleimani (ICSMS 2021)

Explaining the jihadi management of Shahid Soleimani school based on Quranic principles

Morteza Amiri Nejad*

Abstract

Intertextuality, as a new linguistic critical method, plays an essential role in the analysis and critique of speech; Which explains the connection and coordination between the texts. Since the Holy Quran is a comprehensive and path-breaking encyclopedia in all social, political, and cultural fields, etc .; Therefore, thinkers and scholars of Islam have been influenced by the Holy Quran in various ways. Sardar Soleimani was no exception to this, but addressed his thoughts on various occasions; That the life-giving smell of the Qur'an can be inhaled in his words. Influence has been manifested in the words of Sardar in different ways, sometimes in terms of content and content, and sometimes in the words and expressive techniques of the Qur'an. Accordingly, the present study uses a descriptive-analytical method to analyze the effectiveness of Sardar Soleimani's lectures on the Holy Quran. One of the most important results of the research is that Sardar, with a scientific and jihadi attitude and being influenced by Quranic themes, has important perspectives such as jihadi management, how to plan and comprehensiveness, creativity and innovation, being a pioneer in affairs, populism and provincialism in In order to achieve the goals of the Islamic Revolution, they are drawn for the audience.

Keywords: *Quranic principles, jihadi management, populism, orbital province.*

* University Lecturer, PhD Student, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Email: amirinejad276@yahoo.com

تبیین مدیریت جهادی مکتب شهید سلیمانی با تکیه بر مبانی قرآنی

*مرتضی امیری نژاد

چکیده

بینامتنیت به عنوان یک منهج نقدی جدید زبان‌شناختی نقش اساسی در تحلیل و نقد کلام دارد؛ که ارتباط و هماهنگی بین متون را تبیین می‌نماید. از آنجایی که قرآن کریم موسوعه‌ی جامع و رهگشا در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ... است؛ بنابراین متفکران و علمای دین اسلام به اشکال گوناگون، تحت تأثیر قرآن کریم قرار گرفته‌اند. سردار سلیمانی از این مهم مستثنی نبوده‌اند بلکه به مناسبت‌های مختلف تفکرات خویش را خطاب فرمودند؛ که می‌توان شمیم جانفزای قرآن را در کلام ایشان استشمام نمود. تأثیرپذیری در سخنان سردار به صورت‌های مختلف، گاه از مضمون و محتوا، و گاه در الفاظ و فنون بیانی قرآن، تجلی پیدا نموده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی شیوه‌های اثرپذیری سخنرانی‌های سردار سلیمانی از قرآن کریم می‌پردازد. از مهم‌ترین نتایج پژوهش آن است که سردار، با نگرشی علمی و جهادی و با تأثیرپذیری از مضامین قرآنی، چشم‌اندازهای مهمی از جمله مدیریت جهادی، چگونگی تدبیر و همه‌جانبه‌نگری، خلاقیت و نوآوری، پیشگام بودن در امور، مردم‌گرایی و ولایت‌مداری را در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی را برای مخاطب ترسیم می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: مبانی قرآنی، مدیریت جهادی، مردم‌گرایی، ولایت‌مداری.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، دارای معارف عمیق و مفاهیم بلندی است، انسان در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی از این معارف بلند قرآنی متأثر و بهره‌مند شده است. چنانکه امروزه نمی‌توان جنبه‌های از جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان را یاد کرد که قرآن کریم و معانی والای آن به نحوی مستقیم یا غیر مستقیم، در آن تأثیری نگذاشته باشد. (حلبی، ۱۳۷۴ هـ.ش: ۱۱). بنابراین، اگر به متون اسلامی، با دقت و تأمل بنگریم، روشن می‌شود که "جان مایه و جوهر آن، از دین مبین اسلام نشأت گرفته، و اندیشه‌های متفکران اسلامی این قلمرو پهناور از آموزه‌ها و تعالیم ناب اسلامی، احادیث نبوی و ائمه اطهار و در رأس همه‌ی آنها، قرآن کریم، سرچشمه گرفته است." (خواجeh اف، ۱۳۸۶ هـ.ش: ۴۲).

این تأثیر پذیری به عنوان بینامتنیت شناخته شده است که به دو صورت خارجی یا داخلی صورت می‌گیرد. خارجی عبارت است از؛ این که شاعر لفظ قرآن را به طور مستقیم در متن به کار گیرد، داخلی یعنی؛ شاعر مضامین قرآنی را در اشعارش بگنجاند. در این میان سردار سلیمانی، فرمانده جهادی جهان اسلام به اشکال متفاوت خارجی و داخلی از قرآن کریم متأثر بوده و آن را در کلام خویش آورده است. حال هدف و تلاش پژوهش حاضر آن است با نگاهی علمی و نقادانه به بررسی سخنرانی‌های سردار سلیمانی پردازد تا به سوال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. غالبیت وامگیرهای سردار سلیمانی به چه صورت است؟

۲. محور اصلی مضمون‌های قرآنی سخنرانی‌های سردار سلیمانی کدام است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس اطلاعات موجود، تاکنون، پژوهشی مستقل و اختصاصی، درباره‌ی تأثیر پذیری سردار سلیمانی از قرآن کریم صورت نگرفته است. از مهم‌ترین پژوهش‌های که در ارتباط با آثار سردار سلیمانی انجام شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. محسن کاردان پور (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل محتوایی الگوی مدیریتی سردار سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی بر اساس نامه ۵۳ امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر» به تحلیل الگوی مدیریتی سردار پرداخته‌اند.

در مورد سردار سلیمانی کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است از جمله:

۲. «برادر قاسم» نویسنده: ابوذر مهران فر انتشارات مهر امیرالمومنین.

۳. «تأثیر مدیریت جهادی با نگرش دینی اسلامی» نویسنده: عباس انصاری تبار، انتشارات: مرسل.

۴. «سرباز ولایت، حاج قاسم سلیمانی» نویسنده: مرتضی کرامتی مشکینی، انتشارات قاف اندیشه. قم.

۵. «شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی» نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین علی شیرازی، ناشر: خط مقدم

شایان ذکر است نگارنده در ارتباط با سردار سلیمانی بیشتر پایگاه‌های معتبر علمی را بررسی نموده؛ اما پژوهشی در زمینه بینامتنیت در آثار سردار سلیمانی یافت نشد. از آنجایی که پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر قرآن کریم به بررسی سخنرانی‌های سردار سلیمانی می‌پردازد؛ کاملاً نو و بدیع است.

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش، توصیفی و تحلیلی و بر اساس شیوه‌ی کتابخانه‌ای بوده است. بدین صورت که ابتداء، سعی شده است با رجوع به منابع و آثار مکتوب اعم از کتب و مقاله‌ها و مجلات ادبی، مواد اولیه پژوهش به صورت فیش برداری جمع‌آوری شود. سپس به دسته‌بندی و ویرایش آن بر اساس ترتیب عناوین اقدام گردد و در پایان نیز، نتایج تحقیق، با استدلال و استناد بر مطالب ارائه شده مطرح شوند.

۲. مفهوم شناسی واژگان

۲-۱. مدیریت در لغت و اصطلاح

مدیریت در لغت، مصدر جعلی است که از ریشه دور اخذ شده است و به معنای اداره کردن است. مراد از معنای اصطلاحی، معنایی است که متخصصان علم و دانش مدیریت از این واژه ارائه کرده اند. مدیریت، یک فعالیت تدریجی و مستمر است نه فعالیتی آنی و دفعی. این فعالیت مستمر خود متشکل از مجموعه ای از فعالیت های متوالی و منظم است که از آنها به فرآیند تعبیر می شود. این فعالیت ها با استفاده از مجموعه ای از امکانات و منابع مالی و مادی صورت می گیرد. این مجموعه فعالیت ها در جهت دستیابی به اهدافی است و دستیابی به این اهداف هنگامی امکان پذیر است که مجموعه فعالیت ها با طراحی، سازماندهی و رهبری صحیح همراه باشد. لذا بطو کلی مدیریت را چنین تعریف کرده اند: مدیریت فرآیند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می گیرد (اسحاقی، ۱۳۹۳: ۲۵).

از مدیریت، تعاریف متعددی ارائه شده است. از جمله اینکه مدیریت عبارت است از؛ استفاده بهینه از منابع انسانی و غیر انسانی در جهت تحقق اهداف از پیش تعیین شده، با توجه به قوانین حاکم (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۲۶). شهید استاد مرتضی مطهری نیز مدیریت را این گونه تعریف می کند: «مدیریت انسان ها و رهبری آنها، عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها». ایشان در ادامه می فرماید: «بهترین رهبرها آنها هستند که نیروهای افراد خود را بسیج کرده اند، تحریک کرده اند، هماهنگ کرده اند، آرمان واحدی برای آنها به وجود آورده اند. دو هنر از آرمان واحد یکی اینکه فرد انسان ها را آرمانی کردن، دیگر این که گروه انسان ها را در یک آرمان جمع کردن» (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۳۵).

۲-۲. جهاد در لغت و اصطلاح

واژه «جهاد» از ریشه (ج ه د) است. راغب می گوید: «جهد و جهد یعنی طاقت، نیرو، مشقت و سختی. گفته شده جهد با فتح حرف (ج) یعنی مشقت و سختی و با ضم حرف (ج) یعنی کوشش گسترده و وسیع به اندازه طاقت» (راغب، ۱۴۰۴: ۱۰۱). واژه ی «جهد» به معنی طلب کردن است به نحوی که به مطلوب برسد و صیغه «اجتهد» به معنی بذل وسع و طاقت در طلب است به نحوی که به ایصال به مطلوب منجر شود (مصطفوی، ۱۳۷۱، ۱۴۹/۲). از این رو در مفاهیم طاقت، مشقت، طلب و مطلوب، صبر و بذل طاقت برای رسیدن به مطلوب در واژه «جهاد» مندرج است. اما از منظر دینی به هر تلاشی، جهاد اطلاق نمی شود؛ بلکه جهاد از منظر دینی، عبارت است

از بذل جان، مال و توان خویش در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان (نجفی، ۱۳۸۶: ۳/۲۱) از این رو هرگاه جهاد را از ریشه ی جهد بدانیم در آن صورت مجاهد به کسی می گویند که هر آنچه را که از قدرت و توان به کف دارد تا آخرین حد وسعت و امکاناتش در راه هدف خود بکار گیرد و اگر جهاد را از ریشه ی جهد در نظر بگیریم مجاهد به کسی می گویند که با طیب خاطر در فراخنای مشکلات گام بگذارد و برای رسیدن به اهداف خود، کوشش کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۲: ۲۴).

۲ - ۳ . مدیریت جهادی

واژه مدیریت جهادی از دو جزء مدیریت و جهاد تشکیل شده است. بنابراین مدیریت جهادی بر دو پایه استوار است: ۱- دانش مدیریت ۲- نظام ارزشی اسلامی. مدیریت جهادی چیزی جدا از سایر مدیریت ها نیست بلکه تفاوت اصلی آن با سایر نظام های مدیریتی در، پیش فرض ها و مبانی فکری مدیریت اسلامی است. مدیریت جهادی نوعی دگرگونی در الگوهای مدیریتی است. مدیریت جهادی به عنوان یک الگوی مدیریت اسلامی شناخته می شود. مدیریت جهادی با از خود گذشتگی، برنامه ریزی صحیح و آینده نگری و ... همراه است. در این مدیریت، فرد به خود فکر نمی کند بلکه گروه را در نظر می گیرد و خدمت را به معنای واقعی برای خدا انجام می دهد (رئیس السادات، ۱۳۸۲: ۳۶). از این رو مدیریت جهادی مؤلفه ای است همزاد انقلاب اسلامی که تنها در قاموس انقلاب اسلامی ظهور و بروز پیدا کرده است. در حقیقت مدیریت جهادی، یادگاری است گرانسنگ از دوران دفاع مقدس و حماسه که در آن، تهیه و تجهیز سرمایه های انسانی و مادی و برنامه ریزی فعالیت ها و انجام اقدامات، همه در فضایی برگرفته از آموزه های اصیل دینی صورت می گرفته است. اساس مدیریت جهادی بر تاکید بر معنویت و ارزش های اخلاقی، اسلامی و انسانی بنا شده؛ درحالی که در نظام های مدیریتی دیگر، اخلاق به عنوان وسیله، مطرح بوده و تا زمانی کاربرد دارد که در راستای اهداف آن نظام مدیریتی بوده باشد.

۲ - ۴ . بینامتنیت

نظریه بینامتنیت Intertextuality بر پایه پژوهش های زبان شناسی فردیناند دوسوسور Saussure Ferdinand de و منطق مکالمه ای میخائیل باختین Mikahail Bakhtine بنیان نهاده شد. یولیا کریستوا Julia Kristeva با تلفیق و ترکیب آرای این دو نظریه پرداز در حوزه زبان و ادبیات نظریه بینامتنیت را در اواسط دهه شصت سده بیستم میلادی مطرح کرد. بر اساس نظریه بینامتنیت هیچ متنی خودبسنده نیست و هر متن، بینامتنی است که نقش حلقه ارتباطی میان متون پیشین و پسین را بازی می کند (صفوی، ۱۳۸۱: ۲۷۶). "باختین" در تعریف "بینامتنیت"

می گوید: «بینامتنیت بررسی و اطلاع از حقیقت تأثیر و تأثر میان متون در تعامل با متون پیش از خود می باشد». (بتیس، ۱۹۹۷: ۱۸۳). این اصطلاح به رابطه های گوناگونی اشاره دارد که متون را از لحاظ صورت و مضمون به هم پیوند می دهد. در حقیقت یکی از معایب دیدگاه سوسور و ساختارگرایان این بود که برای متن هویتی جدا و بسته در نظر می گرفتند و فقط به ساختار درونی آن، توجه می کردند. در مقابل پسا ساختارگرایان و کریستوا، مفهوم بینامتنیت را مطرح کردند (قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۴۳۶). از نظر کریستوا، بینامتنی یعنی کاربرد آگاهانه متنی در متن دیگر، خواه به گونه ای کامل یا چنان پاره هایی (احمدی، ۱۳۷۰: ۱/۳۲۰). کار خوانش، ما را به شبکه ای از روابط متنی وارد می کند. تأویل کردن یک متن، کشف کردن معنا یا معانی آن، در واقع ردیابی همین روابط است بنابراین خوانش به صورت روندی از حرکت در میان متون در می آید. معنا نیز چیزی می شود که بین یک متن و همه دیگر متون مورد اشاره و مرتبط با آن موجودیت می یابد (آلن، ۱۳۹۲: ۱۲). کریستوا متون را در قالب دو محور می دید: یکی محور افقی که مؤلف و خواننده متن را به هم ارتباط می دهد و دیگر، محور عمودی که متن را به متون دیگر پیوند می دهد کدها و رمزگان های مشترک، این دو محور را با هم یکی می سازد (سجودی، ۱۳۸۳: ۱۵۶). از نظر او به جای اینکه توجه خود را به ساختار متون معطوف کنیم، باید نحوه شکل گیری ساختار را بررسی کنیم که این امر مستلزم جای دادن آن در کل متون قبلی و هم زمان است.

به طور کلی، مهمترین محورهای بینامتنی در رابطه با قرآن کریم عبارتست از:

۴-۱- نفی جزئی یا اجترار: "در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غائب را در متن خود می آورد، و متن حاضر، ادامه ی همان متن غائب است، و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد". (عزام، ۲۰۰۵م: ۱۱۶) از این رو، متن برگرفته از متن غایب، می تواند یک جمله و یا یک عبارت و یا یک کلمه باشد، و واضح است که این روابط، شکل سطحی و آسانی از روابط بینامتنی به شمار می رود.

۴-۲- نفی متوازی یا امتصاص: "بدین صورت که ارتباط بسیار تنگاتنگی بین متن غایب (= قرآن) و متن حاضر به وجود آید، و بینامتنی در غالب موارد، آگاهانه و با کمترین تغییر در معانی و الفاظ انجام می گیرد. به عبارت دیگر، در نفی متوازی، شاعر یک عبارت قرآنی را با همان ساختار، بدون هیچ گونه تغییر و دگرگونی، یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن یا قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می دهد". (زعبی، ۱۹۸۹م: ۵۶) در واقع، "در نفی متوازی یا امتصاص،

شاعر نوعی سازش میان متن پنهان و حاضر ایجاد می‌نماید و از معنای متن پنهان دفاع می‌کند". (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸هـ.ش: ۳۰۶)

۲-۴-۳. نفی کلی یا حوار: "این نوع از روابط، بالاترین درجه‌ی بینامتنی است و به خوانشی عمیق و آگاهانه نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا شاعر یا نویسنده در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد". (وعدالله، ۲۰۰۵م: ۳۷) "شاعر یا نویسنده، مقطعی از متن غائب را در متن خود می‌آورد در حالی که معنای متن تغییر یافته است؛ زیرا هیچ نوع سازشی میان متن پنهان و حاضر وجود ندارد. به همین دلیل، عالی‌ترین نوع بینامتنی به حساب می‌آید". (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸هـ.ش: ۳۰۷). سردار شهید در کلامش از انواع بینامتنیت بهره گرفته‌اند؛ اما بالاترین تاثیرپذیری ایشان مربوط به نفی کلی یا حوار است که در این پژوهش آن را مورد تحلیل و واکاوی قرار داده‌ایم:

۳. نمودهای بینامتنیت قرآنی در کلام سردار سلیمانی

۳-۱. استعانت از آموزه های دینی

شخصیت معنوی سردار سلیمانی محصول نماز شب ها و راز و نیازهای عارفانه او در دل شب بود. او پرورش یافته مکتب اسلام و قرآن و اهل بیت (ع) بود. بدون شک تدین در دین خدا و خوف و استعانت از آموزه های دینی باید یکی از ویژگی های مهم مدیر و فرمانده جهادی باشد. استعانت از آموزه های دینی را باید در عملیات های سخت دفاع مقدس جستجو کرد، در کنار صلابت و اقتدار در صحنه نبرد، باید حالت عارفانه ، و گریه های معصومانه او را حکم مغناطیس برای دیگر فرماندهان و رزمندگان دانست. آری، خضوع سردار سلیمانی در لحظات نماز و زیارت، نجواهای عارفانه او با ارواح طیبه شهیدان، عشق زبازرد او به وصول به معشوق و شهادت ، جلوه های بارز استعانت از آموزه های دینی از فرهنگ علوی و حسینی بود. آنجایی که ایشان در یادواره ی شهدای ملایر خطاب می کنند:

« ما در داخل کشورمان دو نهاد مهم داریم که این دو نهاد بر رفتار و اخلاق جامعه اثر دارند، یکی حوزه مقدس علمیه است که به طور طبیعی در جهت دهی اساسی به دین و زندگی بر پایه صحیح و رفتار و اخلاق درست نقش اساسی دارد، دوم دانشگاه های ما هستند که ضمن اینکه یک تاثیرات اخلاقی و رفتاری دارند، غیر از تاثیرات اخلاقی و رفتاری شان در انضباط و اداره جامعه هم کمک

می‌کنند. این دو نهاد بعد از خانواده مهمترین جریان فرهنگی درون جامعه ما است که بر جامعه ما اثر دارد. دفاع مقدس به دلیل اینکه توانست همه تئوری‌ها و نظریه‌های نظری را و همه بحث‌های اخلاقی توصیه شده دینی و رفتاری را یکجا به مرحله ثبوت و عمل برساند و رای این دو جریان مهم فرهنگی توانست نه تنها بر جامعه اثرگذار باشد بلکه این دو جریان مهم فرهنگی را هم از خودش متاثر کند.» (سخنرانی سردار سلیمانی در یادواره ی شهدای ملایر، ۱۳۹۵/۰۷/۰۱). کلام ایشان ریشه اصلی این آیه مبارکه است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

به عکس آنچه بعضی تصور می‌کنند، "صبر" هرگز به معنی تحمل بدبختیها و تن دادن ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست، بلکه صبر و شکیبایی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه است. لذا بسیاری از علمای اخلاق برای "صبر" سه شاخه ذکر کرده‌اند:

صبر بر اطاعت (مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد).

صبر بر معصیت (ایستادگی در برابر انگیزه‌های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر).

و صبر بر مصیبت (پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خود باختگی و شکست روحی و ترک

جزع و فزع). تاریخ مردان بزرگ گواهی می‌دهد که یکی از عوامل مهم یا مهمترین عامل پیروزی

آنان استقامت و شکیبایی بوده است، افرادی که از این صفت بی‌بهره‌اند در گرفتاریها بسیار زود از

پا در می‌آیند و می‌توان گفت نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه‌ها ایفا می‌کند، نه

فراهم بودن امکانات دارد (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۱۹). اصولاً ویژگی استقامت و پایداری، این

است که فضائل دیگر بدون آن ارج و بهایی نخواهد داشت که پشتوانه همه آنها صبر است و لذا

در "نهج البلاغه" در "کلمات قصار" می‌خوانیم: و علیکم بالصبر، فإن الصبر من الایمان کالرأس

من الجسد، و لا خیر فی جسد لا رأس معه، و لا فی ایمان لا صبر معه: "بر شما باد به صبر و

استقامت که صبر در برابر ایمان همچون سر است در مقابل تن، تن بی‌سر فایده‌ای ندارد، همچنین

ایمان بدون صبر ناپایدار و بی‌نتیجه است"^۱.

در آیه مورد بحث مخصوصاً به مسلمانان انقلابی نخستین که دشمنان نیرومند و خونخوار و بی‌رحم

از هر سو آنها را احاطه کرده بودند، دستور داده شده است که در برابر حوادث مختلف از قدرت

صبر و پایداری کمک بگیرند، که نتیجه آن استقلال شخصیت و اتکاء به خویشتن و خود یاری در

پناه ایمان به خدا است و تاریخ اسلام این حقیقت را به خوبی نشان می‌دهد که همین اصل اساسی

۱. نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۸۲.

پایه اصلی همه پیروزیها بود (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۲۰). موضوع دیگری که در آیه بالا به عنوان یک تکیه گاه مهم در کنار صبر، معرفی شده "صلوة" (نماز) است، لذا در احادیث اسلامی می‌خوانیم: کان علی (ع) اذا اهاله امر فزع قام الی الصلاة ثم تلی هذه الایة استعینوا بالصبر و الصلوة... " هنگامی که علی ع با مشکلی روبرو می‌شد به نماز برمی‌خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می‌رفت و این آیه را تلاوت می‌فرمود: " استعینوا بالصبر و الصلوة..."^۱

از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد، زیرا هنگامی که انسان در برابر حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا قرار می‌گیرد، و نیروی خود را برای مقابله با آنها ناچیز می‌بیند، نیاز به تکیه گاهی دارد که از هر جهت نامحدود و بی انتها باشد، نماز او را با چنین مبدئی مربوط می‌سازد، و با اتکاء بر او می‌تواند با روحی مطمئن و آرام امواج سهمگین مشکلات را در هم بشکند. بنابراین آیه فوق در حقیقت به دو اصل توصیه می‌کند یکی اتکای به خداوند که نماز مظهر آن است و دیگری مساله خود یاری و اتکای به نفس که به عنوان صبر از آن یاد شده است (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۲۱)

۳- ۲. ایمان و اخلاص

ایمان و اخلاص مهم ترین جوهره و مؤلفه شخصیت سردار سلیمانی بود که او را به عالی ترین درجه نظامی و کاریزماتیک ترین مدیر و شخصیت ارتقاء بخشید. بدون شک اخلاص سردار سلیمانی بالاتر از همه خصایص او بود، همه کارهای او رنگ خدایی داشت و فقط برای رضای خدا کار می‌کرد و به هیچ عنوان اهل تظاهر و ریا نبود. در جلسه های رسمی با مسئولان مختلف، همیشه در حاشیه و به دور از چشم می نشست که باید می گشتید تا او را پیدا می کردید و می دیدید. از دیگر موارد اخلاص او این بود که هرگز اهل رسانه ای و دیده شدن نبود و حتی به برخی اجازه نداد تا زمانی که در قید حیات است برایش فیلمی بسازند و کتابی به نگارش درآورند. « یکی از مشخصه های جنگ، اخلاص در همه چیز بود. اخلاص در بیان، اخلاص در عمل، اخلاص در فکر. اورکتش روی دوشش بود و جوراب پایش نبود، من به او نگاه کردم. شاید منظوری هم از نگاهم نداشتم. خندید. من این خنده در ذهنم باقی مانده است. گفت می دانم چرا نگاه کردی. از اینکه اورکت روی شانه های من است و جوراب پام نیست. گفت من داشتم نماز می خواندم. با همین حال گفتم شما کارم داری. آمدم جورابم را پام کنم، اورکت را تنم کنم، به خودم گفتم حسین (محمدحسین یوسف الهی)، پسر غلامحسین، تو پیش خدا این طور رفتی، پیش فلانی این گونه می روی.» (سخنرانی در کنگره هشت هزار شهید استان گیلان؛ ۱۳۹۵/۰۲/۱۴). مفهوم سخنان سردار سلیمانی تداعی کننده آیات مبارکه ذیل است:

^۱ (۱) "کتاب کافی طبق نقل المیزان جلد اول صفحه ۱۵۴.

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ قُلْ إِنِّي ...
مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿۳﴾ زمر: ۳. آگاه باشید: آیین پاک از آن خداست، و کسانی که به جای او
دوستانی برای خود گرفته‌اند [به این بهانه که: ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا
نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم، البته خدا میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند، داوری
خواهد کرد. در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ پرداز ناسپاس است هدایت نمی‌کند.

خالص چیزی باشد که آمیخته به ریا و شهرت و وجهی از وجوه دنیا نباشد و دین خالص عبارت از
اسلام است. و اطاعت برای خداوند است در عبادت که به واسطه آن انسان مستحق جزاء می‌شود،
پس این چنین طاعتی مخصوص خدا بوده و بر غیر او جایز نیست. (ترجمه تفسیر مجمع البیان،
ج ۲۱، ص: ۱۴۲)

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱۱﴾ زمر: ۱۱. بگو: «من مأمورم که خدا را- در حالی که
آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام- پرستم.

علت امر به اخلاص این است که از نخستین مسلمانان باشم، یعنی در اسلام از همه پیشی بگیرم و
پیشوای مسلمانان در دنیا و آخرت باشم و مقصود این است که اخلاص برای خدا، سبقت در دین
هم هست، بنا بر این کسی که دین را برای خدا خالص کند، سبقت در آن هم دارد (ترجمه تفسیر
جوامع الجامع، ج ۵، ص: ۳۶۶). آیت مکارم شیرازی معتقدند که این عبارت تاب دو معنی دارد:
نخست اینکه، آنچه را خدا می‌پذیرد، تنها دین خالص است. و تنها تسلیم بی قید و شرط در برابر
فرمان او و هرگز شرک و ریا و آمیختن قوانین الهی به غیر آن، مردود و مطرود است. دیگر اینکه
که: دین و آئین خالص را تنها از خدا باید گرفت؛ چرا که هر چه ساخته و پرداخته افکار انسان‌ها
است، نارسا و آمیخته با خطا و اشتباه است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۹/۳۸۵).

۳-۳. تدبیر و همه جانبه نگری

درایت و تدبیر و همه جانبه نگری سردار سلیمانی با زندگی او عجین شده بود. او این تدبیر و
درایت را در میدانی مختلف از جمله؛ دوران دفاع مقدس، مبارز با اشراک در شرق کشور و جبهه
مقاومت عملیاتی کرد. تدبیر او در دوران دفاع مقدس این بود که توانست بهترین جوانان را با خود
گلچین و همراه کند و عملیات های موفقیت آمیزی را رقم زند، او در شرق کشور توانست، اشراک
مسلح پناهنده در کوه و بیابان را به دامنه کوه بکشاند و به امر کشاورزی مشغول کند. اما مهم ترین

و راهبردی ترین تدبیر او در عرصه جهانی جبهه مقاومت این بود، توانست تمام توطئه ها و نقشه های راهبردی و نامشروع نظام سلطه و آمریکا را در منطقه غرب آسیا؛ از خاورمیانه جدید گرفته تا فتنه شوم داعش را در نطفه خنثی کند. سردار سلیمانی در حقیقت معمار بزرگ شکست های استراتژیک و راهبردی نظام سلطه در منطقه بود. ایشان در مراسم سالگرد فتح خرمشهر می فرمایند:

« یکی از مهمترین مسائل عملیات فتح خرمشهر یا بیت المقدس طراحی دقیق آن بود، همه ۳، ۴ عملیاتی که خدمت شما عرض کردم عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بعد عملیات فتح خرمشهر که من به ویژگی های آن خواهم پرداخت، همه اینها در یک طراحی دقیقی صورت گرفت که برخی از طراحان آن شهید شدند مانند شهید حسن باقری که حقیقتاً بهشتی جنگ بود یعنی همان نقشی که مرحوم بهشتی به عنوان یک معمار و انسان تاثیرگذار و اساسی در انقلاب داشت، نقش حسن هم در جنگ همین گونه بود و وقتی هم به شهادت رسید تاثیراتش تا آخر جنگ باقی ماند، برخی هم در قید حیات هستند، خیلی ها را می شناسید، خیلی ها را هم نمی شناسید. » (سخنرانی سردار سلیمانی در مراسم سالگرد فتح خرمشهر، ۱۳۸۵/۰۳/۰۳). مفهوم کلام سردار تجلی از آیات مبارکه:

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهِا ﴿محمّد: ۱۱﴾. آیا به آیات قرآن نمی اندیشند؟ یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟

آری عامل بیچارگی آنها یکی از دو چیز است یا در قرآن، این برنامه هدایت الهی و این نسخه کامل شفابخش، تدبیر نمی کنند، و یا اگر تدبیر می کنند بر اثر هواپرستی و اعمالی که از قبل انجام داده اند قفلها بر دل‌های آنها است، به گونه‌ای که هیچ حقیقتی در آن نفوذ نمی کند. و به تعبیر دیگر اگر کسی راه خود را در ظلمات گم می کند، یا چراغی به دست ندارد و یا چشمش نابینا است که اگر هم چراغ باشد و هم چشم بینا یافتن راه همه جا آسان است (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص: ۴۶۸)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿مومنون: ۶۸﴾. آیا در [عظمت] این سخن نیندیشیده اند، یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است؟

از مهم ترین پیام های آیه مبارکه:

- ۱- نخستین عامل بدبختی مردم، تعطیل کردن اندیشه و تفکر است. «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا»
- ۲- قرآن، کتاب تدبّر و اندیشه است. (نه فقط تلاوت و تجوید و ...، و هر کس در آن تدبّر کند، حَقَانِیت آن را می‌فهمد) «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ» (تفسیر نور، ج ۶، ص: ۱۱۵). بنابراین تدبّر و اندیشه کلید و حلال همه‌ی امور است و با تکیه بر آن امکان مدیریت جهادی فراهم می‌گردد.

۳ - ۴. خلاقیت و نوآوری

بومی سازی مقاومت فعال، جرأت مبارزه به مجاهدان و رزمندگان جبهه مقاومت در صحنه های جنگ و دور زدن محاصر، مهم ترین عناصر در زمینه خلاقیت و نوآوری سردار سلیمانی بود. او در کنار خنثی کردن تمام نقشه های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا که با دلارهای نفتی عربستان و با تأثیر گذاری سیاسی و تشکیلات و ائتلاف های وسیع شکل می گرفت با ابتکار عمل و خلاقیت مثال زدن قد علم می کرد. او با خلاقیت و نوآوری توانست منطقه کوچک و بی دفاع غزه را که دائم زیر آتش صهیونیست ها بود، به گونه ای آنها را درس ایستادگی و مقاومت فعال آموخت که توانستند ۴۸ ساعته رژیم صهیونیستی مجبور به درخواست آتش بس کنند. ایشان حتی اولین پیروزی در حلب سوریه را با همین خلاقیت و نوآوری رقم زد، چرا که در جنگ شهری حلب نیاز به سلاح و آتش سنگین نبود، او با فتح سنگر به سنگر و آتش و حرکت منظم و آهسته در شهر حلب توانست اولین پیروزی در جبهه مقاومت سوریه را مقدمه پیروزی های دیگر کند. از سخنان گهربار ایشان آن است که:

« من فرمانده اگر در بحران ترسیدم، جا خوردم و فرار کردم، چه می شود؟ لشکر من متلاشی می شود و جبهه من فرو می ریزد. مدیر باید خلاق باشد. بودجه کشور بیاید اینجا و من اینجا بنشینم، نمی خواهم به اینجا جسارت کنم و مربوط به اینجا و این دوره نیست. حرف غلطی به جایی جسارت نکنم. من دوره ی انقلاب را در ابعاد گوناگون می گویم، چه اصولگرا و چه اصلاح طلب. هر دو در این موضوع به نوعی مقصر هستند. اینکه من اینجا بنشینم و بگویم، من فرماندار و بخش هستم، یه پولی می آید، اگر پول آمد من مدیر هستم و اگر پول نیامد من بیکار هستم و من پشت میز می نشینم. این مدیریت نیست. مدیر باید خلاق و نوآور و مبتکر باشد. از دل بحران خلاقیت ایجاد کند. بحران را دور بزند و سرکوب کند و به ضد بحران تبدیل کند. این امر در دوران انقلاب و دوران گوناگونی اتفاق افتاد. » (سخنرانی در یادواره عملیات رمضان در شهر همدان، ۱۳۹۷/۰۵/۰۴)

؛ مفهوم خلاقیت و نوآوری کلام سردار سلیمانی در سوره مبارکه یس است که می فرمایند:

أَ وَ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿۸۱﴾: آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند؟ آری، اوست آفریننده دانا.

در آیه مبارکه دو صفت بزرگ خداوند که در رابطه با این مساله باید مورد توجه قرار گیرد- یعنی صفت خلاقیت و علم بی‌پایان او- تکیه می‌کند که در حقیقت دلیلی است بر گفتار پیشین که اگر تردید شما از ناحیه قدرت او بر خلقت است او خلاق است (تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص: ۴۷۰). بنابراین مدیران و مسؤولان با آگاهی و علم خویش و با توجه به رهنمودهای قرآن کریم خلاقیت و نوآوری را در امر مدیریت به کار گرفته و تغییرات و تحولات بنیادی در همه امور ایجاد نمایند.

۳- ۵. توکل به خدا

سردار سلیمانی توکل عجیبی به خداوند داشت، او در تمام صحنه‌ها و عملیات‌های نظامی در کنار سعی و تلاش فراوان به خداوند توکل می‌کرد. همین توکل و اعتقاد قلبی او به این موضوع نصرت و پیروزی را برایش رقم می‌زد. سردار سلیمانی در یکی از سخنرانی‌های خویش می‌فرماید:

« نکته دوم مسئله‌ی مدرک است که چیز مهمی است. اما مدرک و علمی ارزشمند است که قابل تطبیق با عمل باشد. من دارای لیسانس مهندسی کشاورزی باشم ولی فرق بین درخت هلو و آلبالو را از هم نتوانم تشخیص بدهم. مدیر باید در بحران‌ها مبتکر باشد. امام (ره) در شدیدترین بحران‌ها بزرگترین پیروزی‌ها را بدست آورد. امروز، رهبر ما که اینقدر در قله اطمینان نشسته و با اطمینان سخن می‌گوید، غیر از توکلش به خدا و اطمینانش به خداوند تعالی و تبارک، اساس موضوع این است که خواهران من، برادران من و عزیزان من، در دل بحران‌ها مهمترین فرصت‌ها وجود دارد.»

سخنرانی در یادواره عملیات رمضان در شهر همدان، ۱۳۹۷/۰۵/۰۴.

مفهوم این جملات بسامدی از آیه مبارکه:

وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿۳﴾ ﴿طلاق: ۳﴾

و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمائش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر

کرده است. در این آیه لزوم توکل بر خدا [در کارها] بیان شده است؛ زیرا هر گاه انسان بداند که خدا برای هر چیزی زمان قرار داده است راهی جز تسلیم در برابر آن و واگذار کردن کار به ذات مقدس او باقی نمی ماند (ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۶، ص: ۳۴۷)

۳- ۶. پیشگام و خطرپذیر بودن در امور

یکی از برجسته ترین ویژگی هشت سال دفاع مقدس ما که سیستم و مدیریت کلاسیک ارتش های دنیا را به هم زد و ابتکار جدیدی در جنگ بود و شاید هم بتوان آن را یک فرهنگ در مدیریت جهادی جنگ تعریف کرد، دو کلمه « بیا و برو » بود. در تمام صحنه ها و عملیات های دفاع مقدس فرماندهان ما جلوتر از همه حرکت می کردند و در همه امور پیشگام و پیشقدم بودند؛ یعنی فرمانده ما در سخت ترین شرایط جنگ در صحنه جلو می ایستاد و می گفت: « بیا »، اما فرمانده کلاسیک ارتش های دنیا عقب می ایستاد و می گفت: « برو ». همین جلوی خط آتش دشمن و در نوک پیکان بودن و جلوتر از نیرو حرکت کردن فرماندهان ما و از همه مهمتر فرهنگ کلمه « بیا » ایثار و فداکاری های بسیار زیادی را برای ما در جنگ هشت ساله به ارمغان آورد.

« یکی از ویژگی های مدیریت در دوران دفاع مقدس که فقط منحصر به دفاع مقدس نیست در هر دوره ای می تواند اثرگذار باشد، این بود که فرماندهان جلودار بودند، خطرپذیرتر بودند، در نوک بودند، اصلاً یک تغییر ماهیتی و اساسی در مدیریت جنگ از شیوه کلاسیک به شیوه اسلامی تغییر پیدا کرد و علاج اساسی شد. چرا این جنگ نابرابر با حجم امکانات وسیع دشمن موفق شد، چرا خطوط سهمگین و شدید و مستحکم و هولناک دشمن در شلمچه و در فاو و در جاهای دیگر یکی پس از دیگری فرو می ریخت؟ جلودار بودند.» (سخنرانی در محفل رزمندگان اصفهان، ۱۳۹۶/۰۷/۰۴). کلام سردار در محفل رزمندگان، زیبایی و تاثیر خود را از آیه مبارکه ذیل دارد:

وَ أَنْ أَحْكُمُ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿مائدة: ۴۹﴾:

و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش؛ مبادا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند. پس اگر پشت کردند، بدان که خدا می خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره ای از گناهانشان برساند، و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند. در شأن نزول آیه مبارکه از ابن عباس نقل شده: جمعی از بزرگان یهود

توطئه کردند و گفتند: نزد محمد صلی الله علیه و آله می‌رویم شاید بتوانیم او را از آیین خود منحرف سازیم، پس از این تبانی، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ما دانشمندان و اشراف یهودیم و اگر ما از تو پیروی کنیم سایر یهودیان نیز به ما اقتدا می‌کنند ولی در میان ما و جمعیتی، نزاعی است (در مورد یک قتل یا چیز دیگر) اگر در این نزاع به نفع ما داوری کنی ما به تو ایمان خواهیم آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله از چنین قضاوتی (که عادلانه نبود) خودداری کرد و این آیه نازل شد (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۲۳). با توجه به آیه مبارکه مشخص گردید که پیامبر (ص) در برقراری عدالت همواره پیشگام بودند و در سخت‌ترین شرایط برای این موضوع پیشگام بوده‌اند؛ بنابراین مسؤولان و مدیران جامعه در هر شرایطی با پذیرش خطر پیشگام باشند.

۳-۷. مردم مداری

شاه بیت سخنان سردار سلیمانی این بود که مردم ولی نعمت ما هستند. او عاشق مردم بود به همین لحاظ مردم هم عاشق او بودند. این عشق و دلدادگی را مردم در بزرگ‌ترین تشیع جنازه تاریخ ایران بعد از رحلت امام خمینی (ره) رقم زدند و با خلق جاودانه‌ترین تصاویر، تشیع بدرقه تا بهشت را همچون برگ زرینی در تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت رسانند. او عمیقاً بر این باور بود که مردم ولی نعمت ما هستند. و این انقلاب و نظام حاصل تلاش و مجاهدت‌های آنان و متعلق به آنان است، او پیوسته بر این امر تأکید می‌کرد که ما مدیون و وامدار این مردم عزیز هستیم و خدمت به آنان را بایستی یک افتخار بزرگ بدانیم. این مردم مداری سردار مختص به مردم ایران نبود، او در حوادث گوناگون کشور در میان مردم حضور می‌یافت و به یاری آنها می‌شتافت، حضور او در میان مردم سیل‌زده خوزستان نمونه بارز این مورد است. همچنین در حلب و البوکمال سوریه شخصاً وارد عمل شده بود و برای تخلیه مردم از شهر کمک می‌کرد، او توان خود را در حفاظت، اسکان، تغذیه، بهداشت و درمان مردم اختصاص داده بود و به گونه‌ای با مردم برخورد می‌کرد، انگار مردم بی دفاع سوریه و محاصره در دست داعش، پدر، مادر، برادران و خواهران او هستند. سردار سلیمانی در یکی از سخنرانی‌های خود ضمن انتقاد از فاصله گرفتن از مردم می‌گوید: «امام خط‌شکن بود. اول خود حرکت کرد بعد مردم را فراخواند، دلیل موفقیت ما در جنگ نیز برگرفته از همین فرهنگ بود، فرماندهان در جنگ جلو دار بودند، اگر وزیری در ساختمان بلند بالا و کاخ نشست و دستور صادر کرد، این فرمان تا به نفع ملت اجرا شود نفس مردم را می‌گیرد.» (سخنرانی در کرمان، ۲۲ بهمن ۱۳۹۶). یا آن‌جایی که تأکید می‌کنند: «امروز ملت خودش تصمیم‌گیرنده

است در انتخاب مسئولینی که مسیر این ملت و اداره این ملت و خدمت به این ملت را در دست می‌گیرند، کدام یک از کشورهای اطراف خودمان را اینگونه می‌بینیم؟ به شرق کشور، به غرب کشور، به جنوب و شمال کشور نگاه نکنیم، هیچ کجا چنین مشخصات و مختصاتی وجود ندارد که در کشور ما وجود دارد.» (سخنرانی در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۲).

سخنان ایشان بیان‌گر آیات مبارکه ذیل است:

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾: پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

یکی از مزایای فوق‌العاده اخلاقی پیامبر ص شده و می‌فرماید: در پرتو رحمت و لطف پروردگار، تو با مردم مهربان شدی در حالی که اگر خشن و تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند. به عبارت دیگر آنچه مربوط به حق تو است عفو کن و آنچه مربوط بحق من است من می‌بخشم پیامبر (ص) به فرمان خدا عمل کرد و آنها را بطور عموم مشمول عفو خود ساخت. روشن است که اینجا یکی از موارد روشن عفو و نرمش و انعطاف بود و اگر پیامبر (ص) غیر از این می‌کرد زمینه برای پراکندگی مردم کاملاً فراهم بود (تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۱۴۲). با توجه به آیه مبارکه مهربانی و بخشش پیامبر موجب اتحاد بین مردم و نزدیکی آنان به پیامبر (ص) بوده است؛ بنابراین سردار سلیمانی با تأثر از آیه مبارکه مسؤولان را به ساده زیستی و همدلی و همزبانی با مردم فر می‌خواند تا زمینه پیشرفت همه جانبه جامعه فراهم گردد.

۳- ۸. معنویت گرایی

سردار سلیمانی یک شخصیت چند بُعدی داشت؛ او ضمن اینکه یک فرد نظامی و سرباز واقعی ولایت در جبهه‌های دفاعی و امنیتی بود، یک سیاستمدار بصیر، برجسته و قوی در عرصه سیاسی هم بود، او با همه این ویژگی‌ها، در سخت‌ترین شرایط همیشه در لباس یک عارف دل‌سوخته، عابد و زاهد ظاهر می‌شد، و در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود و حتی در میدان جنگ نیز حدود الهی را هرگز فراموش نمی‌کرد. او در مسیر بندگی خود نهایت تلاش را می‌کرد تا از آبخور معنویت الهی بهره‌مند گردد.

« مدیر اثرش یک اثر جمعی است. مدیر رهبر یک جامعه است. نگوئیم استاندار، استاندار شخص عادی نیست، امام جمعه محترم شخص عادی نیست، فرماندار شخص عادی نیست، فرمانده سپاه شخص عادی نیست، هر مسئولیتی، فرماندهی نیروی انتظامی شخص عادی نیست، اینها بر جامعه اثر دارند. اینها مدیریت شان عین مدیریت دفاع مقدس است. شهید باکری چگونه شهید شد؟ در کجا شهید شد؟ در کنار چند نفر شهید شد؟ خب وقتی در مدیریت نگاه این شد، آن وقت همه ی جامعه مثل جامعه دوران دفاع مقدس می شود و توجه اساسی می کند و معنویت در آن رونق پیدا می کند. مگر می شود مدیر یک جامعه ای، من به عنوان یک فرمانده، در درون جامعه ای فاقد معنویت باشم و انتظار داشته باشم جامعه معنویت داشته باشد؟ «الناس علی دین ملوکهم». مردم از رهبرانشان تابعیت می کنند. (سخنرانی در یادواره عملیات رمضان در شهر همدان، ۱۳۹۷/۰۵/۰۴). کلام سردار بازتابی از آیه مبارکه زیر است:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹۷﴾ نحل / ۹۷: هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد. و به دنبال آن به صورت یک قانون کلی نتیجه اعمال صالح توأم با ایمان را از هر کس و به هر صورت تحقق یابد، در این دنیا و جهان دیگر، بیان می‌کند، و می‌گوید: " هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، خواه مرد یا زن به او حیات پاکیزه می‌بخشیم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند خواهیم داد" و به این ترتیب معیار، تنها "ایمان" و "اعمال صالح زائیده آن" است و دیگر هیچ قید و شرطی نه از نظر سن و سال، نه از نظر نژاد، نه از نظر جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه اجتماعی در کار نیست. و نتیجه این عمل صالح مولود ایمان در این جهان، حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود، و از نابسامانیها و درد و رنجهایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هوا پرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد در امان است. این از یک سو، و از سوی دیگر خدا آنها را " بر طبق بهترین اعمالشان" پاداش خواهد داد که تفسیر آن در آیات قبل گذشت (تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص: ۳۹۰).

بنابراین معنویت یک مؤلفه قلبی است و از درون انسان سرچشمه می‌گیرد، اما باید خاستگاه و منشأیی داشته باشد. هر چند جایگاه معنویت قلب و درون انسانهاست ولی خاستگاه آن بیرون از آدمی است. لازمه معنویت باور به یک حقیقت ماورایی و متافیزیکی است، لذا ایمان به خداوند و اعتقاد قلبی به روز قیامت بی‌تردید بهترین و برترین خاستگاه معنویت است. به هر اندازه منشأ معنویت ماورائی تر و والا تر و پرجاذبه تر و قدرتمندتر و داناتر و مهربان‌تر و پایاتر باشد معنویت

پدید آمده از آن و یا مبتنی بر آن اثرگذارتر و ماندگارتر و پویاتر است. میزان تقدس معنویت هم بستگی به همین خاستگاه آن دارد؛ یعنی بین منشأ معنویت و میزان تقدس آن یک رابطه مستقیم وجود دارد. به هر اندازه این منشأ رفیع تر باشد تقدس آن برای انسان هم بیشتر است.

۳-۹. ولایت مداری

در منظومه فکری و سیاسی سردار سلیمانی، مهم ترین اصلی که خیلی شاخص است، ولایت مداری و در بالاترین درجه آن محقق ساختن و عملیاتی کردن اراده ولایت فقیه است. برای او ولایت فقیه خط قرمز و در رأس همه اصول قرار داشت، او ذوب در ولایت بود. او ولایت مداری (فهم درست از ولایت)، ولایت باوری، ولایت یابوری و دفاع جانانه از ولایت را با تمام وجود در افکار و اندیشه خود محقق ساخته بود. نگاه تیزبین و نافذ سردار سلیمانی در همه صحنه های زندگی و جهادی به «خورشید ولایت» بود و از آن نور می گرفت تا در تاریکی فتنه های داخلی و خارجی راه را گم نکند. یکی از استادان سابق کرمان در ملاقات با پدر شهید سلیمانی از ایشان می پرسد: «می دانید پسران چقدر مشهور است و استکبار چقدر از او می ترسد؟» آن پدر بزرگوار از بیان استادان تعجب کرده و می فرماید: «پسر من یک سرباز ولایت است. آنها از اسلام می ترسند، نه از پسر من. حاج قاسم تنها یک نشانه از کشور اسلامی و شیعه است.»

سردار سلیمانی در وصیت نامه خویش نیز، ولایت فقیه را نسخه نجات بخش امت و یکی از شئون عاقبت بخیری را میزان اتصال به این منبع و سرچشمه الهی می داند و سه بار با قسم جلاله از آن یاد می کند؛ «خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند.» یا آن جایی که می فرماید:

« آدم ها می آیند و می روند. قاسم سلیمانی می رود، قاسم سلیمانی دیگری می آید. احزاب و جریان ها اصل نیستند. اصول را توجه کنیم. اگر می خواهیم جامعه ما به وحدت حقیقی برسد، باید جامعه را در همه سطوح به اصول متوجه بکنیم، اصول خیلی طول و عرض گسترده ای ندارد، همین چند تا است. اصل اساسی نگاه دارنده این نظام، ولی فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جان مان، با خون مان، در همه آحادمان از آن دفاع می کنیم. جان مان را می دهیم و هزاران بار می

دهیم.» (سخنرانی در کنگره شهدای کرمان، ۱۳۸۹. بنی لوحی، ۱۳۹۸: ۷۳).

سخنان سردار بازتابی از آیه مبارکه است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا** ﴿نساء / ۵۹﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

این آیه و چند آیه بعد، در باره یکی از مهمترین مسائل اسلامی، یعنی مسئله رهبری بحث می‌کند و مراجع واقعی مسلمین را در مسائل مختلف دینی و اجتماعی مشخص می‌سازد. نخست به مردم با ایمان دستور می‌دهد که از خداوند اطاعت کنند، بدیهی است برای یک فرد با ایمان همه اطاعتها باید به اطاعت پروردگار منتهی شود، و هر گونه رهبری باید از ذات پاک او سرچشمه گیرد، و طبق فرمان او باشد، زیرا حاکم و مالک تکوینی جهان هستی او است، و هر گونه حاکمیت و مالکیت باید به فرمان او باشد (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ). در مرحله بعد، فرمان به پیروی از پیامبر ص می‌دهد، پیامبری که معصوم است و هرگز از روی هوی و هوس، سخن نمی‌گوید، پیامبری که نماینده خدا در میان مردم است و سخن او سخن خدا است، و این منصب و موقعیت را خداوند به او داده است، بنا بر این اطاعت از خداوند، مقتضای خالقیت و حاکمیت ذات او است، ولی اطاعت از پیامبر ص مولود فرمان پروردگار است و به تعبیر دیگر خداوند واجب‌الاطاعة بالذات است، و پیامبر ص واجب‌الاطاعة بالغير و شاید تکرار اطیعوا در آیه اشاره به همین موضوع یعنی تفاوت دو اطاعت دارد (و اطیعوا الرسول) و مرحله سوم فرمان به اطاعت از اولوا الامر می‌دهد که از متن جامعه اسلامی برخاسته و حافظ دین و دنیای مردم است (تفسیر نمونه، ج ۳: ۴۳۶-۴۳۵).

در برخی فرمایش‌های ائمه معصومین (ع)، از ولایت به عنوان اساس و شالوده اسلام یاد شده است. اسلام بر پنج پایه بنا شده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَاصِ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدَى بِالْوَلَايَةِ» (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۴/۱). درباره ترک چهار پایه نخست، در برخی از موارد رخصت داده شده است، ولی در مورد ترک ولایت، هیچ گونه رخصتی داده نشده است؛ یعنی کسی که ثروت ندارد، بر او زکات واجب نیست و کسی که مستطیع نیست، حج بر او واجب نیست و کسی که بیمار است، نشسته نماز بخواند و در ماه رمضان روزه نگیرد، ولی در باب ولایت، خواه انسان صحیح و سالم باشد یا بیمار، ثروتمند باشد یا فقیر، حتماً لازم است به ولایت و امامت امامان معصوم معتقد باشد. در روایت دیگر زُراه از امام باقر (ع) می‌پرسد: «کدام یک از این پنج پایه برتر و مهم‌تر است؟» حضرت می‌فرماید: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ، لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ

الوالی هو الدلیل علیهن: ولایت برتر است، چرا که کلید بقیه است و صاحب ولایت راهنمای مردم به آن چهار رکن دیگر است (کلینی، ۱۳۸۵: ۱۸/۲).

نتیجه گیری

زبان علاوه بر نقش های فرعی؛ تکیه گاه اندیشه و ایجاد زیبایی، دارای نقش اصلی، ایجاد ارتباط نیز هست. یکی از رویکردهای زبانی جدید در حوزه نقد متون، نظریه بینامتنی است که یادآور تأثیر و تأثر عمیق بین متن غائب و متن حاضر است که در متون به سه شکل نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی پدیدار می شود. به طور کلی هر فردی در فرآیند و سیر مدیریتی خود از افکار، ایده ها و مکاتب مختلفی تأثیر می پذیرد. قرآن کریم، کتاب هدایت و بصیرت به عنوان غنی ترین منبع لایزال الهی همواره و در طول قرن های مختلف مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران قرار گرفته است و افراد بسیاری از آن در طول حیات خود از آن تأثیر پذیرفته اند. در این جُستار، قرآن کریم به عنوان متن غائب و پنهان و سخنان و سیره سردار سلیمانی به عنوان متن اصلی یا حاضر و روابط بینامتنی قرآن کریم و سیره سردار سلیمانی به عملیات بینامتنی مورد بررسی (واکاوی) قرار گرفت و مشخص شد این غالبیت و امگیری ایشان از نوع نفی کلی یا حواری بوده است، چرا که سردار سلیمانی با آگاهی کامل از مفاهیم و معارف بلند قرآن کریم و آموزه های دینی، آنها را در سیره خود بکار گرفته است.

تکیه گاه اصلی اندیشه ها، سبک و سیاق مدیریتی و جهادی سردار سلیمانی مبتنی بر آیات قرآن و آموزه های دینی است. در حقیقت محور اصلی مضمون ها و اندیشه ناب سردار سلیمانی به عنوان مدیر جهادی و فرمانده عقیدتی (معنویت گرا) جبهه مقاومت، پیروی محض از قرآن و آموزه های دینی است. همین مبانی قرآنی و مؤلفه های دینی در سیره شخصی، او را در خط اول و مقدم مبارزه با استبداد و استعمار و شکست های راهبردی جبهه استکبار جهانی قرار داد. به همین دلیل نام و یاد او به عنوان فرمانده قرآنی و عقیدتی محور مقاومت در اذهان کشورهای محور مقاومت و خیلی از کشورهای اسلامی ماندگار خواهد شد. از این رو، ویژگی های همچون ایمان و اخلاص، استعانت از آموزه های دینی، تدبیر و همه جانبه نگری توکل به خدا و ... را می توان در پناه قرآن در روحیه و منش و سیره فرماندهی همچون سردار سلیمانی به عنوان مدیر جهادی و اسلامی به فراوان یافت.

ب. پیشنهاد

- مقایسه تطبیقی مدیریت شهید سلیمانی در جبهه دفاع مقدس و جبهه مقاومت از منظر قرآن و

نهج البلاغه.

- نقش مدیریتی شهید سلیمانی در تشکیل بسیج جهان اسلام در مقابل جبهه استکبار.

منابع فارسی

قرآن کریم

- احمدی، بابک (۱۳۷۰) « ساختار و تأویل متن » تهران: نشر مرکز.
- اسحاقی، حسین (۱۳۹۳)، مولفه های مدیریت جهادی، چاپ اول، قم: نشر هاجر.
- باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۶) « مدیر موفق »، نشر لوح محفوظ.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۸۲)، مدیریت فرهنگی، چاپ اول، قم: انتشارات امام عصر (عج).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴)، « المفردات فی غریب القرآن »، بیروت: دارالعلم.
- قائمی، مرتضی و محقق، فاطمه (۱۳۹۰)، « بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی »، دوفصلنامه پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم، سال دوم، شماره دوم، ص ۶۰-۵۱.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۳) « نشانه شناسی کاربردی »، چاپ دوم، تهران: قصه.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۱)، « مناسبات بینامتنی »، دانشنامه ادب فارسی، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رئیس السادات، حسین (۱۳۸۲)، مبانی مدیریت اسلامی، چاپ اول، مشهد: ماه نشر.
- عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، « وسائل الشیعه »، قم: مؤسسه آل البیت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵) « اصول کافی »، ترجمه: محمدباقر کمره ای، تهران: انتشارات اسوه.
- آلن، گراهام، (۱۳۸۰ هـ.ش)، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- بنیس، محمد، (۱۹۷۹م)، ظاهره الشعر العربی المعاصر فی المغرب، بیروت: دارالعودة.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۴)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، انتشارات اساطیر، چاپ سوم.
- زعبی، أحد (۱۹۸۹) التناس نظرماً و تطبیقاً، عمان، الأردن، مؤسسه عمریه، ط ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵): ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجم: عبدالحمیدی، علی، غفوری، اکبر، صاحبی، عبدالعلی، روحانی، حبیب، ناشر: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد مقدس.
- علی بن ابی طالب (۱۳۸۶ ه.ش). نهج البلاغه، مترجم: مرحوم حجه الاسلام محمد دشتی، قم: انتشارات سرور، چاپ اول.
- قزائنی، محسن (۱۳۸۸): تفسیر نور، چاپ اول، ناشر: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۱)، « التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم »، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، « امامت و رهبری »، قم: انتشارات صدرا.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۶)، « جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام »، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱): تفسیر نمونه، چاپ: ۱۰، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران.
- (۱۳۸۲): برگزیده تفسیر نمونه، محقق: علی بابایی، احمد، چاپ: ۱۳، ناشر: دار الکتب الإسلامیه.
- میرزایی، فرامرز، و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸ هـ.ش) روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر، نشریه ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ی جدید، شماره ی ۲۵ (پیاپی ۲۲).